

گیاه‌شناسی کاربردی برای کشاورزی و منابع طبیعی، کتاب اول: گیاهان زراعت‌های بزرگ، تهران ۱۳۶۵ش؛ علی‌بن سهل طبری، فردوس الحکمة فی الطب، چاپ محمدزیر صدیقی، برلین ۱۹۲۸؛ عقیلی علوی‌شیرازی؛ بهرام فره‌وشی، واژه‌نامه خوری، تهران ۱۳۵۵ش؛ الفلاحه النبطیة، الترجمة المنحولة الی ابن وحشیہ، چاپ توفیق فهد، دمشق ۱۹۹۳-۱۹۹۸؛ زکریا بن محمد قزوینی، عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، بیروت: دارالشرق العربی، [بی‌نا]؛ ایران کلباسی، گرایش کردی مهاباد، تهران ۱۳۶۲ش؛ مجلسی؛ احمد مرعشی، واژه‌نامه گرایش گیلکی، به انضمام اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی، رشت ۱۳۶۳ش؛ حسین میرحیدر، معارف گیاهی، تهران ۱۳۷۵-۱۳۷۲ش؛ محمدباقر نجف‌زاده بارفروش، واژه‌نامه مازندرانی، تهران ۱۳۶۸ش؛ هروی؛

Herodotus, *The histories*, tr. Aubrey de Séincourt, ed. A. R. Burn, Harmondsworth, England 1980; Ibn 'Awwām, *Le livre de l'agriculture d'Ibn-al-Awām (Kitabal-felahah)*, tr. J.-J. Clément - Mullet, Paris 1864-1867, repr. Tunis 1983; Pliny [the Elder], *Natural history*, with an English translation, vol. 5, ed. & tr. H. Rackham, Cambridge, Mass. 1971.

نگار نادری /

تربت (۱)، اصطلاحی در فرهنگ شیعی. تربت در لغت به معنای «خاک» است (— ابن منظور؛ فیروزآبادی، ذیل «تربت») و در فرهنگ شیعی صرفاً به خاکی که از اطراف قبر امام حسین علیه‌السلام برداشته می‌شود، اطلاق می‌گردد. برخی احتمال داده‌اند که به خاکی که از اطراف هر قبر مقدسی، همچون قبر امانان و پیامبران و شهدان و صالحان، برداشته می‌شود، تربت می‌گویند، ولی معنای شایع یا منحصر آن خاک قبر امام حسین علیه‌السلام است و مراد از کلمه «الطین» یا «طین القبر» هم در روایات ائمه علیهم‌السلام به احتمال بسیار همین معناست (— شهیدثانی، ۱۳۷۸ش، ص ۲۱۱؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۲۶۱؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ آل کاشف‌الغطاء، ص ۲۴۷؛ کلباسی، ص ۲۷-۲۸). تربت گاه مجازاً به معنای «گور»، پیوسته مزار صالحان، به کار می‌رود (— ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۹۹، ج ۲، ص ۱۳۷، ۲۲۷، ۲۶۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۲۲؛ دهخدا، ذیل واژه). ابوریحان بیرونی (ص ۳۲۹) از مزار امام حسین علیه‌السلام با تعبیر «تربت مسعوده» یاد کرده است. تربت همواره نزد شیعیان محترم و مقدس و «شعار» آنان بوده است (— آل کاشف‌الغطاء، ص ۳۲). در حدیث و فقه شیعی آثار و آداب و احکام ویژه‌ای دارد.

بنابر حدیثی، حضرت عیسی، ضمن اخبار از شهادت امام حسین علیه‌السلام برای حواریون، به حرمت تربت ایشان اشاره

درمان گوش درد ناشی از سرما مفید است و چکاندن آن با روغن بادام تلخ در گوش، باد گوش را درمان می‌کند (رازی، ۱۴۰۸، ص ۴۰۲؛ ابن‌سینا، ج ۱، کتاب دوم، ص ۶۸۹؛ هروی، همانجا). گرم و لطیف است و هرچه کهنه‌تر باشد، بهتر است (هروی، ص ۱۴۰). تدهین آن جهت رفع شپش مفید است (حکیم مؤمن، ص ۱۹۴). اسحاق‌بن سلیمان اسرائیلی ترب را برای چشم، دندان، حلق و دردهای شکم و معده مضر دانسته است (ج ۳، ص ۱۰۱-۱۰۲).

احادیثی از پیامبر اکرم درباره ترب روایت کرده‌اند، مثلاً: «ریشه ترب بلغم را از بین می‌برد و برگش مدرّ بول است» (مجلسی، ج ۵۹، ص ۲۸۵). از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل کرده‌اند: «ترب سه ویژگی دارد: برگش رفع‌کننده باد، تخم‌ش مدرّ بول، و ریشه‌اش از بین‌برنده بلغم است» (همان، ج ۶۳، ص ۲۳۰؛ برای اطلاع از مصارف دارویی امروزی ترب — زرگری، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱، ۶۷۹).

منابع: ابن‌بطار؛ ابن‌سینا، القانون فی الطب، چاپ ادوار فشر، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۷؛ ابن‌عذیم، الوصلة الی الحبيب فی وصف الطبیات و الطیب، چاپ سلیمی محبوب و درة الخلیل، حلب ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ ابوالخیر اشبیلی، عمدة الطیب فی معرفة التیات، چاپ محمد عربی خطابی، بیروت ۱۹۹۵؛ ابوریحان بیرونی، الصیدنة؛ اخوینی بخاری؛ اسحاق‌بن سلیمان اسرائیلی، کتاب الأغذیة، چاپ عکسی از نسخه خطی کتابخانه سلیمانیة، چاپ فؤاد سزگین، فرانکفورت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ علی‌بن حسین انصاری شیرازی، اختیارات بدیعی (قسمت مفردات)، چاپ محمدنقی میر، تهران ۱۳۷۱ش؛ انطاکی؛ حمید ایزدپناه، فرهنگ لری، تهران ۱۳۶۳ش؛ همو، فرهنگ لکی، تهران ۱۳۶۷ش؛ ابوالقاسم پورحسینی، فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان، کرمان ۱۳۷۰ش؛ ثابت‌بن قز، کتاب الذخیرة فی علم الطب، چاپ صبحی، قاهره ۱۹۲۸؛ اسماعیل‌بن حسن جرجانی، تحفۃ علائی (خف علائی یا الخفیة العلائیة)، چاپ علی‌اکبر ولایتی و محمود نجم‌آبادی، تهران ۱۳۶۹ش؛ مطهرین محمد جمالی‌یزدی، فزخ‌نامه: دائرةالمعارف علوم و فنون و عقائد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۶ش؛ محمدمؤمن‌بن محمدزمان حکیم مؤمن، تحفة حکیم مؤمن، چاپ سنگی تهران ۱۳۷۷، چاپ افست ۱۳۷۸؛ حکیم میری، دانشنامه در علم پزشکی، چاپ برات زنجان، تهران ۱۳۶۶ش؛ دیوسکوریدس، هیولای الطب فی الحشائش و السموم، ترجمه اصفطی‌بن نسیل و اصلاح حنین‌بن اسحاق، چاپ سزارا. دویلر و الیاس یرس، نطوان ۱۹۵۲؛ محمدبن زکریا رازی، کتاب الحاوی فی الطب، حیدرآباد دکن ۱۳۷۴-۱۳۹۰/۱۹۵۵-۱۹۷۱؛ همو، المنصور فی الطب، چاپ حازم بکری صدیقی، کویت ۱۴۰۸/۱۹۸۷؛ جمال رضائی، واژه‌نامه گرایش بیرجندی، چاپ محمود رفیعی، تهران ۱۳۷۳ش؛ علی زرگری، گیاهان دارویی، ج ۱، تهران ۱۳۶۸ش؛ مستوچهر ستوده، فرهنگ ناآئینی، تهران ۱۳۶۵ش؛ حسین صفری، واژه‌نامه راجی: گرایش دلجان، تهران ۱۳۷۳ش؛ صدیق صفی‌زاده، طب سنتی در میان کردان، تهران ۱۳۶۱ش؛ محمد طباطبائی،

کرده است (ع ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۳۲؛ همو، ۱۳۶۲ ش، مجلس ۸۷، ص ۵۹۸-۵۹۹؛ صدری، ص ۲۲). احادیث متعددی در منابع شیعه و اهل سنت، حاکی از آگاهی پیامبر اکرم از شهادت امام حسین، روایت شده و در برخی از آنها آمده است که جبرائیل (یا فرشته‌ای دیگر) تربت سرخ کربلا را برای پیامبر آورد که سبب تأثر آن حضرت شد. به سبب وجود تفاوتی در این احادیث، بویژه درباره فرشته‌ای که تربت را آورده است، برخی احتمال تعدد این واقعه را مطرح کرده‌اند (ع عبدالله بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۲۴-۱۳۱؛ امینی، ص ۵۳-۱۲۹؛ صدری، ص ۵۱). این احادیث از طریق زنان و مردان صحابی، از جمله شماری از همسران پیامبر، از پیامبر روایت شده است (ع ابن حنبل، ج ۱۱، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ قاضی نعمان، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ، ج ۲، ص ۱۲۹؛ علوی شجری، ص ۹۰-۹۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۴؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۳؛ صدری، ص ۵۲؛ موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۳، ۲۱۸-۲۵۳، ۲۶۲-۲۶۴).

در برخی منابع، تفاد این احادیث از جمله معجزات پیامبر به شمار آمده است (ع ابونعیم، ص ۵۵۳؛ بیهقی، ج ۶، ص ۴۶۸-۴۷۰). بر طبق این احادیث، که بیشتر آنها از طریق ام سلمه نقل شده (ع موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۴۲)، پیامبر تربتی را که جبرائیل برای وی آورد، به ام سلمه داد و او آن را در شیشه‌ای (یا پیراهن یا روسری خود) نهاد، آنگاه پیامبر اکرم خون رنگ شدن تربت را در روز عاشورا نشانه شهادت امام حسین علیه السلام معرفی کرد (ع ابویعلی موصلی، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ خصیبی، ص ۲۰۲-۲۰۳؛ ابن قولویه، ص ۵۹-۶۱؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۰۸؛ ابن شجری، ج ۲، ص ۸۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، مجلس ۲۹، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ حاکم نیشابوری، ج ۵، ص ۵۶۷). خون رنگ شدن تربت در روز عاشورا در برخی گزارشهای دیگر نیز آمده است (ع میثمی عراقی، ص ۵۴۲؛ دستغیب، ص ۱۲۳-۱۲۴). در منابع شیعی، این احادیث به واسطه حدود ده راوی از پیامبر اکرم و امام باقر و امام صادق نقل شده است (ع ابن قولویه، همانجا؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۴-۳۱۸، ۳۳۰؛ فضل طهرسی، ج ۱، ص ۴۲۸). در برخی از آنها اشاره شده که پیامبر به ام سلمه مقداری تربت داده، در حدیثی آمده که این تربت تا هنگام مرگ ام سلمه نزد وی بوده (ع ابن قولویه، ص ۶۰) و بنا بر روایتی آن تربت نزد امام باقر علیه السلام بوده است (ع طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۶). در برخی دعاها نیز به ماجرای تربت آوردن جبرائیل اشاره یا تصریح شده است (ع ابن قولویه، ص ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۵-۲۸۴؛ محمدباقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۱۸، ۱۲۹). از حضرت علی احادیثی درباره تربت امام حسین نقل شده

است، از جمله آنکه آن حضرت هنگام عبور از کربلا در جنگ صفین، حدیث پیامبر را در شأن تربت برای اصحاب نقل کردند (ع نصرین مزاحم، ص ۱۴۰؛ ابن سعد، ص ۴۸-۴۹؛ ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۴۶؛ ابویعلی موصلی، ج ۱، ص ۲۹۸؛ ابن عساکر، ص ۲۳۴-۲۳۶). ظاهراً این حدیث دو بار، هنگام رفتن امام علی به صفین و هنگام بازگشت از آن، در کربلا شنیده شده است (ع موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۳۶۵-۳۶۶). در حدیثی دیگر، از آگاهی حضرت علی نسبت به تربت محل شهادت امام حسین علیه السلام سخن رفته است (ع ابن سعد، ص ۴۸؛ ابن قولویه، ص ۷۲). بنا بر حدیثی، آن حضرت هنگام عبور از کربلا ضمن گریستن و اشاره به واقعه عاشورا، حرمت تربت آنجا را یادآور شدند (ع حمیری، ص ۲۶؛ ابن قولویه، ص ۲۶۹-۲۷۰). امام حسین نیز هنگام رسیدن به کربلا، حدیث ام سلمه را درباره تربت نقل کردند (ع سبط ابن جوزی، ص ۲۲۵). بنا بر روایات، ام سلمه این حدیث را هنگام حرکت آن حضرت از مدینه برای ایشان نقل کرده بود (خصیبی، ص ۲۰۳؛ مسعودی، ص ۱۶۵؛ ابن حمزه، ۱۴۱۲، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ موحد ابطحی اصفهانی، ج ۴، ص ۲۱۸-۲۲۱).

دیگر امامان معصوم نیز درباره تربت سخن گفته‌اند و با اوصاف «مبارکه» و «طاهره» و «مسکه مبارکه» آن را ستوده و بر فضیلت آن تأکید کرده‌اند (ع ابن قولویه، ص ۲۶۷-۲۶۸، ۲۷۰-۲۷۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۳؛ عصفری، ص ۱۶-۱۷؛ محمدباقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۲۸-۱۳۲). امام رضا هنگام برداشتن تربت، آن را بوییده و گریسته است (ع محمدباقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۳۱). در برخی احادیث از علاقه فرشتگان به تربت سخن رفته است (ع ابن قولویه، ص ۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۱؛ صدری، ص ۴۹).

در متون حدیثی و فقهی آثار متعددی برای تربت ذکر شده است. در احادیث گفته شده که تربت شفابخش بیمارهاست و شرط تأثیر آن، اعتقاد به آن یا اعتقاد به امامت امام حسین دانسته شده است (ع کلینی، ج ۴، ص ۵۸۸؛ علوی شجری، ص ۹۱؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۲-۷۳۴؛ ابن مشهدی، ص ۳۶۱-۳۶۲؛ محمدباقر مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۱۸ به بعد). برخی احادیث شیوه برداشتن تربت یا خوردن آن را نیز مؤثر دانسته‌اند (ع برقی، ص ۵۰۰؛ کلینی، ج ۴، ص ۲۴۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۶، ص ۴۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۷؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۸۲۶). شفاخواهی از تربت مورد اجماع فقهای امامی بوده (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۵) و آثاری درباره آن نوشته شده است (ع ادامه مقاله).

گزارشهای بسیاری از زبان راویان موثق درباره اثر تربت در دست است (برای نمونه ع طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۹-۳۱۹).

تربت (۱)

۸۲۵

امامان بر آن با تربت امام حسین، مورد اتفاق نظر فقهای امامی است، درباره نحوه کتابت آن اختلاف نظرهایی در میان فقیهان دیده می شود (ع مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۱۸؛ ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۱۶۲؛ فاضل هندی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ نجفی، ج ۴، ص ۲۳۱).

برای تربت آثار دیگری هم ذکر شده است، از جمله زیاد شدن روزی و علم نافع و عزت یافتن و رفع فقر و ظهور هرگونه اثر نیک و پسندیده (ع ابن قولویه، ص ۲۷۷، ۲۸۵-۲۸۲؛ ابن بظام، ص ۵۲؛ نسری، ۱۴۰۷-۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۳۷؛ کلباسی، ص ۱۰۹؛ فرهاد میرزا قاجار، ص ۶). درباره برخی آثار تربت این بحث مطرح شده است که آیا این آثار با خوردن تربت حاصل می شود یا ناشی از همراه داشتن آن است (نراقی، ج ۱۵، ص ۱۶۳؛ کلباسی، ص ۶۷، ۷۷).

بنابر احادیث و کتب فقهی، تربت بهترین چیزی است که می توان در سجده پیشانی را بر آن گذاشت (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۶۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۲۶۰؛ نراقی، ج ۵، ص ۲۶۶). در برخی روایات آمده که امام صادق علیه السلام مقداری از تربت امام حسین را که در کیه ای ابریشمی و زرد رنگ نگه می داشته، هنگام نماز بر سجاده خود می ریخته و بر آن سجده می کرده است (ع طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۳؛ دیلمی، ج ۱، ص ۱۱۵؛ محمدباقر مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۵۳؛ آل کاشف الغطاء، ص ۳۹). به موجب برخی متون حدیثی و فقهی، سجده کردن بر تربت و تسبیح گفتن با تربت باعث رقت قلب می گردد (محمدتقی مجلسی، ج ۲، ص ۱۷۷).

قدیم ترین متن درباره شهر تربت که با تعبیر «لَوْحٌ مِنْ طِینِ الْقَبْرِ» از آن یاد شده - در توقیعی از امام عصر آمده که در سال ۳۰۸ در پاسخ به سؤالات محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری صادر شده است. پرسش از فضیلت مهر تربت در این تاریخ نشان می دهد که هنوز استفاده از مهر تربت فراگیر نبوده است. در این حدیث و احادیث دیگر بر استحباب ذکر گفتن با تسبیح تربت تأکید شده (ع مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ حسن طبرسی، ص ۲۸۱؛ ابن مشهدی، ص ۳۶۶-۳۶۸؛ حر عاملی، ج ۶، ص ۴۵۵-۴۵۶؛ محمدباقر مجلسی، ج ۸۲، ص ۳۳۳، ۳۴۰). شهید اول این احادیث را متواتر خوانده است (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶). بنابر حدیثی از امام صادق، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام نخست از نخ پشمی تابیده بود که عدد تکبیرات بر آن گره زده شده بود. با شهادت حمزه بن عبدالمطلب در جنگ احد، حضرت فاطمه از تربت وی تسبیح ساختند. پس از شهادت امام حسین ساختن تسبیح تربت آن

۳۲۰؛ میثمی عراقی، ص ۵۴۲؛ قمی، ج ۲، ص ۶۹۵؛ اعرجی فحّام، ج ۲، ص ۲۰۴-۲۰۶؛ صدری، ص ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۵-۱۱۶). شفاخواهی از تربت حمزه، عموی پیامبر، و دیگر شهدا و صالحان نیز از دیرباز در میان مسلمانان مرسوم بوده است (سمهودی، ج ۱، ص ۶۹، ۱۱۶، ج ۲، ص ۵۴۴؛ اعرجی فحّام، ج ۲، ص ۱۷۹-۱۸۲). سنت استنفا از تربت امام حسین علیه السلام برای درمان بیماریها در فرهنگ عمومی شیعیان چندان فراگیر شده که در تعریف تربت در فرهنگنامه های فارسی نیز درج شده است (از جمله ع دهخدا؛ داعی الاسلام؛ شاد، ذیل واژه؛ برای آگاهی از موارد دیگر شفابخشی ع سبحانی، ص ۱۸۴؛ علوی، ص ۳۳۱-۳۳۲).

اثر دیگر تربت، ایمنی از ترس است و بر همراه داشتن آن در احادیث تأکید شده است (ع ابن قولویه، ص ۲۷۸-۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۵؛ همو، ۱۴۱۴، ص ۳۱۸؛ امام رضا علیه السلام در هر محموله ای، مانند پارچه، اندکی تربت می گذاشته (ابن قولویه، ص ۲۷۸) و این کار گویا برای ایمنی آن بوده است (کلباسی، ص ۱۳۰). همچنین، بنابر منابع، به همراه داشتن تربت برکت دارد (ع ابن قولویه، ص ۲۷۸؛ نجفی، ج ۱۸، ص ۱۶۲).

در احادیث به کام برداشتن نوزادان با تربت سفارش شده و فقها آن را مستحب دانسته (ع کلینی، ج ۶، ص ۲۴؛ مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۲۱؛ سَلار دیلمی، ص ۱۵۶؛ ابن براج، ج ۲، ص ۲۵۹؛ ابن حمزه، ۱۳۹۹، ص ۳۷۲؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۱۳۱) و هدیه دادن آن را توصیه کرده اند (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶).

فقهای امامی اتفاق نظر دارند که تربت نهادن به همراه میت برای ایمنی او از عذاب قبر مستحب است (ع طوسی، ۱۴۰۷-۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۰۶؛ محقق حلی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۰۲). اما در شیوه انجام دادن این کار اختلاف نظر دارند (ع الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۸۴؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۰؛ همو، ۱۴۰۰، ص ۲۵۰؛ ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۱۶۵؛ محقق حلی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱، ص ۳۰۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۴-۹۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۱). برخی فقها مستند این استحباب را صرفاً متبرک بودن تربت دانسته اند (ع شهید اول، همانجا؛ موسوی عاملی، ج ۲، ص ۱۳۹)، ولی این عمل مستند به حدیث است (ع طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۶؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۷۳۵؛ احمد طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۲؛ یوسف بحرانی، ج ۴، ص ۱۱۲؛ حر عاملی، ج ۳، ص ۳۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۹۵؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۱).

استحباب کتابت شهادتین بر روی کفن و نیز نوشتن نام

حضرت معمول شد. در حدیث دیگری از امام صادق، تسبیح تربت حمزه با تسبیح تربت امام حسین مقایسه و تربت امام حسین برتر دانسته شده است (— مفید، ۱۴۱۳، همانجا). از این روایت برمی آید که دستکم تا زمان امام صادق هنوز ساختن تسبیح از تربت حمزه مرسوم بوده است (نیز — سمهودی، ج ۱، ص ۱۱۶). در روایات بر ثواب در دست گرفتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام، حتی بدون گفتن ذکر، تأکید شده است (— طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۵؛ همو، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۵-۷۶؛ احمد طبرسی، ج ۲، ص ۵۸۳؛ نیز — مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۵۲)، ولی ظاهراً استفاده از تسبیح تربت نیز همچون مهر تربت تا سال ۳۰۸ (تاریخ مکاتبه حمیری) هنوز سنتی فراگیر نشده بوده است.

در ساختن مهر و تسبیح، پختن تربت برای ماندگاری آن بسیار مفید است و همین موضوع بحث فقهی سجده بر تربت پخته را به میان آورده است؛ برخی فقها آن را جایز و شماری آن را مکروه دانسته اند (— سلار دیلمی، همانجا؛ ابن حمزه، ۱۳۹۹، ص ۸۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶؛ شهید ثانی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱؛ یوسف بحرانی، ج ۷، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ نجفی، ج ۸، ص ۴۱۴). این موضوع در قرن دهم — پس از آنکه یکی از دانشمندان، سجده بر تربت پخته را تحریم کرد (— محقق کرکی، ج ۲، ص ۹۱) — به بحثی جدی بدل شد، به طوری که محقق کرکی، در ۹۳۳ رساله ای در اثبات جواز آن نوشت. برخی این رساله را در رد فاضل قطیفی دانسته اند، مباحثات وی با محقق کرکی معروف است (— محمدباقر مجلسی، ج ۱۰۵، ص ۷۹؛ امین، ج ۸، ص ۲۱۰؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱۲، ص ۱۴۸-۱۴۹).

با توجه به قداست تربت، احکام خاصی برای آن در کتب فقهی ذکر شده است، از جمله آنکه نجس کردن تربت حرام و برطرف کردن نجاست از آن واجب است، حتی نجس کردن تربت ممکن است نشانه کفر باشد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۶۷؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نجفی، ج ۸، ص ۳۳۵؛ آل کاشف الغطاء، ص ۱۷۵؛ سبزواری، ص ۱۸). همچنین تربتی که همراه میت نهاده می شود، باید به گونه ای قرار گیرد که موجب بی احترامی به آن نشود (— طباطبائی یزدی، ج ۱، ص ۳۱۵؛ مسئله ۹؛ حکیم، ج ۴، ص ۱۹۹). توهین به تربت آثار دنیوی ناگواری به همراه دارد (— طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۲۰؛ نوری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۸۳).

خوردن خاک، حرام و خوردن تربت، فقط برای شفا، جایز است (کلینی، ج ۶، ص ۲۶۵-۲۶۶، ۳۷۸؛ ابن براج، ج ۲، ص ۴۳۳؛ ابن حمزه، ص ۴۳۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۷۶؛ نراقی، ج ۱۵، ص ۱۶۲؛ کلباسی، ص ۲۸-۳۰). در برخی احادیث و

فتاوی فقهی، افطار با تربت جایز است، گرچه عده ای از فقها این امر را درست نمی دانند (الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۱۰؛ ابن شعبه، ص ۴۸۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۳۱؛ ابن طاووس، اقبال، ص ۲۸۱؛ شهید اول، ۱۴۱۲، ص ۲۰۳؛ همو، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۷۶-۱۷۵؛ محمدباقر مجلسی، ج ۵۷، ص ۱۵۸-۱۶۱). مقدار تربتی که برای شفا می توان خورد، اندک و حداکثر به مقدار یک نخود تعیین شده است (کلینی، ج ۶، ص ۳۷۸؛ ابن براج، ج ۲، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ ابن ادریس حلی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، همانجا؛ محمدباقر مجلسی، ج ۵۷، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ کلباسی، ص ۴۵-۴۷). در برخی روایات و فتاوی فقهی، استفاده از گیل ارمنی برای درمان مجاز است، اما تربت برتر از آن است. فقها تفاوت های احکام این دو را بر شمرده اند (— طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۳۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، همانجا؛ ابن فهد حلی، ج ۴، ص ۲۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳-۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۶۹). در برخی روایات، خوردن تربت امامان دیگر نیز مجاز دانسته شده است، اما مورد پذیرش فقها و سازگار با برخی احادیث دیگر نیست (— ابن قولویه، ص ۲۸۱-۲۸۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۴؛ محمدباقر مجلسی، ج ۵۷، ص ۱۵۶). از نظر فقها خرید و فروش تربت جایز است (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶؛ ابن فهد حلی، همانجا؛ آل کاشف الغطاء، ص ۳۷۶)، ولی در برخی روایات از آن نهی شده است (— ابن قولویه، ص ۲۸۶؛ درباره اثر ناگواری خرید و فروش تربت — حائری خراسانی، ص ۱۹۵).

محدوده ای از اطراف قبر امام حسین علیه السلام که از آن تربت برداشته می شود، در روایات گوناگون بیست ذراع، بیست و پنج ذراع، هفتاد ذراع، یک میل، چهار میل، ده میل، یک فرسخ و پنج فرسخ ذکر شده است که به نظر فقها تمام آنها می تواند درست باشد، بدین ترتیب که هرچه تربت به قبر امام حسین علیه السلام نزدیکتر باشد، احترام و اثر آن بیشتر است (طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۷۱-۷۲؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۷۳۱-۷۳۲؛ ابن فهد حلی، ج ۴، ص ۲۲۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۲۷؛ مقدس اردبیلی، ج ۲، ص ۳۱۳؛ محمدتقی مجلسی، ج ۵، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ نراقی، ج ۱۵، ص ۱۶۵-۱۶۷).

برای برداشتن، خوردن یا به همراه داشتن تربت، دعاها و اعمال خاصی مانند غسل، خواندن آیاتی از قرآن و بوسیدن و برچشم نهادن آن ذکر شده است (— ابن قولویه، باب ۹۳-۹۴؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۱۸؛ ابن طاووس، الامان، ص ۴۷؛ همو، فلاح السائل، ص ۶۲، ۲۲۴-۲۲۵؛ ابن مهدی، ص ۳۶۳-۳۶۶). به نظر فقها این آداب تأثیر تربت را بیشتر یا سریعتر می کند، ولی اصل تأثیر تربت بدانها وابسته نیست (— مقدس اردبیلی، ج ۱۱، ص ۲۳۶).

تربت (۱)

۸۲۷

البارع فی شرح المختصر النافع، قم ۱۴۰۷-۱۴۱۳؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ عبدالحسین امینی، نجف ۱۳۵۶؛ ابن مشهدی، المنزار الکبیر، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۹؛ ابن منظور؛ ابوریحان بیرونی، آثار الباقیة؛ احمد بن عبدالله ابونعیم، دلائل النبوة، چاپ محمد رواس قلعهچی و عبدالبر عباس، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۱؛ ابویعلی موصلی، مسند، چاپ حسین سلیم اسد، بیروت ۱۴۱۰-۱۴۱۲؛ محمد رضا اعرجی فخام، احسن الجزاء فی اقامة العزاء علی سید الشهداء (علیه السلام)، ج ۲، قم ۱۴۰۱؛ امین؛ عبدالحسین امینی، سیرتنا و سنتنا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ عبدالله بن نورالله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، ج ۱۷، قم ۱۴۰۷؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش، احمد بن محمد برقی، کتاب المحاسن، چاپ محدث ارموی، قم [؟ ۱۳۳۱ ش]؛ احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، چاپ عبدالمعطل قلعهچی، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۸؛ هادی حائری خراسانی، معجزات و کرامات ائمة اطهار علیهم السلام، قم ۱۴۱۷؛ حر عاملی؛ محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، نجف ۱۳۸۸، چاپ افتت بیروت [بی.نا.]؛ عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، قم ۱۴۱۳؛ حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الکبری، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ محمد علی داعی الاسلام، فرهنگ نظام، چاپ سنگی حیدرآباد دکن ۱۳۰۵-۱۳۱۸ ش، چاپ افتت تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۲ ش؛ عبدالحسین دستغیب، داستانهای شگفت، تهران ۱۳۶۲ ش؛ دهخدا؛ حسین بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ جعفر سبحانی، «مصاحبه با آیه الله جعفر سبحانی»، حوزة، ش ۲۴-۲۳ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد باقر میرزوی، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، چاپ سنگی تهران ۱۲۷۳-۱۲۷۴، چاپ افتت قم [بی.نا.]؛ سیط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ۱۲۰۱/۱۹۸۱؛ حمزة بن عبدالعزیز سلار دیلمی، المراسم العلویة فی الاحکام النبویة، چاپ محسن حسینی امینی، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ علی بن عبدالله سهودی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، چاپ محمد محبی الدین عبدالحمید، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ محمد پادشاه بن غلام محبی الدین شاد، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمد بن مکی شهید اول، البیان، چاپ محمد حسن، قم ۱۴۱۲؛ هو، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، قم ۱۴۱۴؛ هو، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، قم ۱۴۱۹؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ محمد کلانتر، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ هو، الفوائد الملیة لشرح الرسالة النفلتیة، قم ۱۳۷۸ ش؛ هو، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛ مهدی صدری، خاک بهشت، قم ۱۳۷۷ ش؛ علی طباطبائی، ریاض المسائل، قم ۱۴۱۲-۱۴۲۰؛ محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، تهران ۱۳۵۸ ش؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، چاپ حمده عبدالعزیز سلفی، چاپ افتت بیروت ۱۴۰۴-۱۴۰۷؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ ابراهیم بهادری و محمد هادی به، قم ۱۴۱۳؛ حسن بن فضل طبرسی،

احادیث راجع به تربت در منابع حدیثی بسیاری ذکر شده (از جمله - ابن قولویه، بابهای ۱۷، ۹۱-۹۵) و آثار مستقلاً نیز در باره تربت نوشته شده است، از جمله رساله السجود علی التربة المشویة اثر محقق کرکی، الارض و التربة الحسینیة از محمد حسین آل کاشف الغطاء، الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیة از ابوالمعالی کلباسی، خاک بهشت از مهدی صدری، سجده گاه در فضیلت سجده بر تربت از سید محمد امروھی هندی (- آقابزرگ طهرانی، ج ۱۲، ص ۱۴۷)، سجده گاه رسول در سجده بر تربت به زبان اردو از احمد سلطان مصطفوی چشتی (- همانجا).

برخی آثار چاپ نشده در باره تربت اینهاست: شرف التربة تألیف محمد بن بکران رازی (- نجاشی، ص ۳۹۴؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱۴، ص ۱۸۰)، شرف التربة تألیف ابوالفضل شببانی (- نجاشی، ص ۳۹۶؛ آقابزرگ طهرانی، همانجا)، لمعة معانی به فارسی در اثبات فضیلت سجده بر تربت اثر سید علی رضوی لاهوری (- آقابزرگ طهرانی، ج ۱۸، ص ۳۵۴)، مثنوی شفا نامه در باره اثر تربت سید الشهداء علیه السلام سروده تائب تبریزی (- همان، ج ۱۹، ص ۸۴).

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ محمد حسین آل کاشف الغطاء، الارض و التربة الحسینیة، قم ۱۴۱۶/۱۹۹۵؛ ابن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم ۱۴۱۰-۱۴۱۱؛ ابن بابویه، الامالی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ هو، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افتت قم [بی.نا.]؛ هو، عبرن اخبار الرضا، چاپ مهدی لاجوردی، قم ۱۳۶۳ ش؛ هو، کتاب من لا یحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۱۴؛ هو، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ ش؛ ابن بیژن، المذهب، قم ۱۴۰۶؛ ابن بسطام (حسین بن بسطام) و ابن بسطام (عبدالله بن بسطام)، طب الائمة، نجف ۱۳۸۵، چاپ افتت قم ۱۳۶۳ ش؛ ابن حمزه، الثاقب فی المناقب، چاپ نبیل رضا علوان، قم ۱۴۱۲؛ هو، الوسيلة الی نیل الفضیلة، چاپ عبدالعظیم بکا، نجف ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ ابن حنبل، المسند، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره ۱۴۱۶/۱۹۹۵؛ ابن سعد، ترجمة الامام الحسین علیه السلام و مقتله، من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبیر لابن سعد، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۱۵؛ ابن شجری، کتاب الامالی و هی الشهیة بالامالی الخمسیة، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۷۶ ش؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ یوسف بقاعی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۱؛ ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، چاپ فضل الله نوری، تهران ۱۳۱۲، چاپ افتت ۱۳۶۷ ش؛ هو، الامان من اخطار الاسفار و الازمان، قم ۱۴۰۹؛ هو، کتاب فلاح السائل، بیروت: الدار الاسلامیة، [بی.نا.]؛ ابن عساکر، ترجمة ریحانة رسول الله الامام العفندی فی سبیل الله الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم من تاریخ مدینة دمشق، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸؛ ابن نهج حلی، المذهب

تربت (۲)

مکارم الاخلاق، چاپ محمدحسین اعلمی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛
 فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ۱۴۱۷؛
 محمد بن حسن طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران
 ۱۴۱۰؛ همو، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن
 موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ همو، کتاب الخلاف، قم
 ۱۴۱۷.۱۴۰۷؛ همو، مصباح المتهجد، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ ابوسعید
 عباد عصفری، اصل، در اصول الستة عشر، قم ۱۴۰۵؛ حسن بن یوسف
 علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۱ و ۲، قم ۱۴۱۴؛ همو، مختلف الشیعة
 فی احکام الشریعة، ج ۱، قم ۱۴۱۳؛ جواد علوی، «آية الله بروجردی در
 بروجرد»، حوزه، سال ۸، ش ۲۴-۲۳ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد بن
 علی علوی شجری، فضل زیارة الحسین (علیه السلام)، چاپ احمد
 حسینی، قم ۱۴۰۳؛ علی بن موسی (ع)، امام هشتم، الفقه المنسوب
 للامام الرضا علیه السلام، مشهد ۱۴۰۶؛ محمد بن حسن فاضل هندی،
 کشف اللثام عن قواعد الاحکام، ج ۲، قم ۱۴۱۸؛ فرهاد میرزا قاجار،
 قمعقام زخار و صمصام بشار، تهران ۱۳۷۷؛ محمد بن یعقوب
 فیروزآبادی، القاموس المحيط، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ نعمان بن محمد
 قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، چاپ محمد
 حسینی جلالی، قم ۱۴۱۲.۱۴۰۹؛ عباس فی، فرائد الرضویة: زندگانی
 علمای مذهب شیعه، تهران [؟ ۱۳۳۷ ش]؛ محمد بن محمدابراهیم
 کلیاسی، الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیة، چاپ حسین
 غیب غلامی، قم ۱۴۱۲؛ کلینی؛ محمدباقر بن محمدتقی مجلسی،
 بحارالانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدتقی بن مقصود علی مجلسی،
 روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، چاپ حسین موسوی
 کرمانی و علی پناه اشتیاردی، قم ۱۴۰۶-۱۴۱۳؛ جعفر بن حسن محقق
 حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ عبدالحسین
 محمدعلی بقال، قم ۱۴۰۸؛ همو، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۱، قم
 ۱۳۶۴ ش؛ علی بن حسین محقق کرکی، رسائل المحقق کرکی، چاپ
 محمد حسینی، ج ۲: رسالة السجود علی التربة المشویة، قم ۱۴۰۹؛
 علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصیة، قم ۱۴۱۷/۱۹۹۶؛ محمد بن
 محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳؛ الف؛
 همو، کتاب المزار، چاپ محمدباقر ایبطحی، قم ۱۴۱۳؛ همو، مساز
 الشیعة فی مختصر تواریک الشریعة، چاپ مهدی نجف، قم ۱۴۱۳؛
 همو، المعقنة، قم ۱۴۱۰؛ احمد بن محمد مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة
 و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، چاپ مجتبی عراقی، علی پناه
 اشتیاردی، و حسین یزدی اصفهانی، قم، ج ۲، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۴۱۴؛
 محمدباقر موحّد ایبطحی اصفهانی، الامام الحسین علیه السلام فی
 احادیث الفریقین من قبل الولادة الی بعد الشهادة، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۵؛
 محمد بن علی موسوی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع
 الاسلام، قم ۱۴۱۰؛ محمود مینعی عراقی، دارالسلام، تهران ۱۳۷۴؛
 احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر
 بر رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجان، قم ۱۴۰۷؛
 محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام،
 بیروت ۱۹۸۱؛ احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام
 الشریعة، قم، ج ۵، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ۱۴۱۸؛ نصرین مزاحم، وقعة صفین،

چاپ عبدالسلام محمدهارون، قاهره ۱۳۸۲، چاپ افست قم ۱۴۰۴؛
 حسین بن محمدتقی توری، دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا وال المنام، قم
 ۱۳۷۸؛ همو، مستدرک الرسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸.
 / سید محمد جواد شبیری /

تربت (۲) ← بقعه

تربت جام، شهرستان و شهری در استان خراسان.

(۱) شهرستان تربت جام. در مشرق استان خراسان قرار دارد. مشتمل است بر سه بخش مرکزی و نصرآباد و صالح آباد، ده دهستان و سه شهر تربت جام و نصرآباد و صالح آباد. از شمال به شهرستانهای مشهد و سرخس، از مشرق به مرزهای ترکمنستان و افغانستان، از جنوب به شهرستان تایباد، از مغرب به شهرستانهای تایباد (بخش باخرز) و تربت حیدریه محدود است. آبادیهای آن در دشت و کوهستان قرار دارد. کوههای سیاه چوبی، کیلیاق، عبّدل آباد در جنوب آن امتداد دارند. در مغرب آن، کوه بیزگ / بیزک که دنباله کوههای بینالود است، دشت باخرز را از دشت جام جدا می کند (رزم آرا، ج ۹، ص ۸۵). هریرود در مشرق آن جریان دارد و در قسمتهایی، مرز مشترک ایران و ترکمنستان و افغانستان را تشکیل می دهد و در برخی قسمتها زمینهای مزروعی برخی از آبادیهای شهرستان را آبیاری می کند. جامرود - که از کوه شاهان در مغرب شهرستان سرچشمه می گیرد - با جهت جنوب شرقی پس از گذشتن از شمال شهر تربت جام، در مشرق شهرستان به هریرود می ریزد. زمینهای مزروعی آن با رودها و جویها و چاههای عمیق و نیمه عمیق آبیاری می شود.

از گیا دارای گز، بنه، بابونه، شاه تره، گل خطمی، گلپوره، گل گاوزبان، گون و گیاهانی برای چرای دام است. از زیا قوچ، میش، بزکوهی، آهو، رویاه، شغال، گرگ، خرگوش، کبک و سینه سیاه در آن یافت می شود.

دامداری در تربت جام دارای اهمیت است و گاو و بز و شتر و اسب و گوسفند در آن پرورش می یابد و پوست و روده از آنجا صادر می شود. محصولات عمده آن، گندم و جو، چغندر قند، پنبه، زیره، بنشن و تره بار است. از میوه ها، گلابی و انگور و انجیر دارد. صنایع دستی آن شامل قالی بافی و قالیچه بافی است.

آثار تاریخی این شهرستان عبارت است از: مزار شیخ احمد جام^۵، دارای کتیبه ای با کاشی کاریهایی متعلق به دوره شاه عباس اول (مولوی، ج ۱، ص ۴۱-۴۲)؛ زیارتگاه شیخ ابوذر بزرگانی (→ بوژجانی^۵، ابوذر) نزدیک آبادی بزرگان (در پانزده کیلومتری